

ارزیابی مدل تحلیل مسیر در مطالعه هویت محله‌ای ولنجک،

حصارک و وحیدیه شهر تهران

صمد محمدی‌زاده سماکوش^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اختر شیرینی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۱

چکیده

این پژوهش با هدف ارزیابی برازندگی مدل تحلیل مسیر برای مقایسه هویت محله‌ای سه محله با ویژگی‌های متفاوت در شهر تهران انجام شد. ولنجک در منطقه یک، حصارک در منطقه ۵ و محله وحیدیه در منطقه ۸ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. هویت محله‌ای متغیر وابسته و سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، کیفیت فضای کالبدی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور به عنوان متغیرهای مستقل پیش‌بینی شده‌اند. روش تحقیق، پیمایش است و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه که اعتبار آن با پیش‌آزمون تأیید شد، گردآوری گردیده است. نمونه آماری این تحقیق بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد شد و به منظور اطمینان بخشی و پوشش پاسخ‌های نامعتبر، ۴۲۸ پرسشنامه توزیع گردید. نمونه‌گیری به شیوه طبقه‌بندی به نسبت جمعیت محلات از کل جامعه آماری به تعداد ۵۶۰۶۰ نفر انجام شد. انتخاب نمونه‌ها نیز به شیوه تصادفی بود و از نرم‌افزار Spss برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که براساس مدل رگرسیون چند متغیره، ۳۰/۹ درصد تغییرات هویت محله‌ای در محله ولنجک، ۵۳/۸ درصد در محله حصارک و ۶۲/۴ درصد این تغییرات در محله وحیدیه توسط متغیرهای مستقل درون مدل تبیین شده‌اند. در هر سه محله مورد مطالعه سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر تغییرات هویت محله‌ای داشت که میزان تبیین‌کنندگی آن در ولنجک برابر با ۰/۳۶۶، در حصارک معادل ۰/۶۵۴ و در وحیدیه نیز ۰/۵۲۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد بوده است. متغیر سبک زندگی نیز بیشترین تأثیر را در تغییر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر واسط در تبیین هویت محله‌ای داشت. نهایتاً تأثیرات کل هر یک از متغیرهای معنادار در تبیین هویت محله‌ای در محلات سه گانه مورد مطالعه در جداول مربوطه به نمایش گذاشته شده است.

واژگان کلیدی: هویت محله‌ای، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، فضای کالبدی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، امنیت اجتماعی، ارتباطات از راه دور

مقدمه

هویت هر آن چیزی است که انسان‌ها به واسطه آن‌ها خود را به دیگران می‌شناسانند و دیگران نیز از طریق آن یک فرد یا یک جامعه را شناسایی و ممیزی می‌کنند. هویت تا بدان حد مهم است که بدون تشخیص آن اعتماد، معاشرت، مبادلات و تعاملات در فرایند زندگی اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. انسان‌ها به واسطه تعیین هویت به نوعی ارزش‌گذاری می‌شوند؛ به‌نحوی که پایگاه اجتماعی افراد در درون گروه به هویت فردی و در بیرون از گروه به هویت اجتماعی آن‌ها وابسته است. یکی از ابعاد مهم هویت، هویت مکانی و سرزمینی است. حتی امروزه بسیاری از افراد به واسطه هویت سرزمینی و ملی درصدد شناساندن و بازنمایی خویش و تأمین اعتبار نزد دیگران هستند. اگرچه فرایند جهانی‌شدن، نسبت‌های مکانی و هویت را به شدت دستخوش دگرگونی ساخته است و از رو برخی از صاحب‌نظران چون آپادورای^۱ و فیزستون از سرزمین‌زدایی سخن می‌گویند، تامپسون محل‌زدایی را پیامد عمده جهانی‌شدن می‌نامد، گیدنز واژه ازجاکنندگی را به کار می‌برد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۳۰) و جهان مدرن را جهان بی‌ریشه می‌خواند که افراد از مکان‌هایشان کنده شده و وابستگی‌های مکانی رنگ باخته است.

در یک رابطه دیالکتیکی، هویت مکان نیز وابسته به اعتماد، حمایت، مشارکت، مساعدت و تعامل و انسجام اجتماعی است. شناخت میزان و ابعاد متفاوت هویت در حال تحول محلات تهران که یکی از پرمسئله‌ترین، پیچیده‌ترین، ناشناخته‌ترین و رمزآلودترین شهرهای جهان است و فقیرترین و کم‌درآمدترین خانواده‌ها تا متمول‌ترین آن‌ها را میزبانی می‌کند، نیازمند اهتمام جدی است. مولفه‌های ساخت زندگی اجتماعی و اقتصادی، نظیر شغل و درآمد، الگوی سکونت، تعداد طبقات ساختمان‌ها و مساحت خانه‌های مسکونی، نوع گذران اوقات فراغت، تمایزات در ذائقه و ترجیحات کالاهای مصرفی از نان سنگگ تا باگت فرانسوی، تفاوت در نوع وسایل نقلیه از موتورسیکلت تا اتومبیل‌های آخرین مدل، میزان و نوع معاشرت درکوچه و خیابان، کیفیت و میزان استفاده از فضاهای عمومی، کالبد محله‌ها از کوچه‌های تنگ و باریک جنوب شهر تا خیابان‌های فراخ مناطق شمال و غرب، تا آن اندازه در تهران متفاوت و متعارض است که ارائه تعریف واحد از هویت مکان را ناممکن ساخته است. این مقاله درصدد است میزان تبیین هویت محله‌ای توسط متغیرهای مستقلی چون سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، کیفیت فضای کالبدی، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور را در سه محله با موقعیت‌های متفاوت شمال، غرب و شرق را به صورت مقایسه‌ای بررسی کند.

بیان مسئله

موضوع شناخت و تعاملات اجتماعی در واحدهای همسایگی که ریشه در تاریخ، فرهنگ، سنت، باورها و ارزش‌های جوامع انسانی دارد، بسیار حیاتی بوده و از یک منظر ضامن سلامت روانی و اجتماعی، تأمین امنیت و هویت جامعه است. کولی در تقسیم‌بندی گروه‌های اجتماعی، به "گروه نخستین" که مشخصه آن، معاشرت، همکاری چهره به چهره و صمیمانه بوده و نتیجه روانی این معاشرت‌های صمیمانه درهم آمیختگی افراد در کلی مشترک است، اشاره می‌کند. دیلینی نیز در شرح نظریه کولی، به نقش کلیدی این گروه در پیوند دادن افراد به جامعه

^۱ Appadurai

بزرگ‌تر و عرصه‌های بهم پیوستگی و همکاری تاکید می‌نماید. به عقیده وی دوستان همبازی و همسایگی یا گروه مراوداتی بزرگسالان که از ویژگی ثابت نسبی و تعداد اندک اعضاء شرکت‌کننده برخوردار می‌باشند، نمونه‌هایی از گروه‌های نخستی هستند (دیلینی، ۱۳۸۷ در تنهایی، ۱۳۹۱: ۱۵۰، ۱۵۱).

در محله‌های مسکونی جوشش نسبتاً پایدار بچه‌های محله، دوستان همبازی و آشنایان همسایه، به تولید و بازتولید هویت اجتماعی می‌انجامد. هویت اجتماعی یک فرایند است که به صورت سیستماتیک ایجاد می‌شود و روابط مشابه و متفاوت بین افراد، بین اجتماعات و بین افراد و اجتماعات را نشان می‌دهد (Jenkins, 1996 in Madanipour, 2001, 183). محله پس از خانه، کوچک‌ترین واحد فضایی و اجتماعی است که به افراد هویت می‌بخشد و به اقتضای قواعد زندگی اجتماعی قاطبه اهالی نسبت به آن تعلق خاطر دارند. در کلان شهرها بسیاری از مردم خویشان را از منظر محله خود به دیگران معرفی می‌کنند و دیگران را نیز از طریق محله زندگی آنها می‌شناسند. تقریباً در تمامی کنش‌های اقتصادی و اجتماعی، طرفین مبادله بر پایه موقعیت مکانی از محله تا مقیاس سرزمین، در صدد شناسایی و تشخیص هویت همدیگر بر می‌آیند. این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که بدون شناسایی هویت مکانی، تنظیم روابط اجتماعی و مناسبات حقوقی در بسیاری موارد با چالش جدی مواجه شده و مبنای اعتماد در کنش‌های متقابل اجتماعی دچار اختلال می‌گردد. گفتنی است هویت محله و مکان نیز به نوبه خود متأثر از هویت اشخاص و یا هویت گروه‌های اجتماعی است که در آن ساکن هستند یا در گذشته در آن محل می‌زیسته‌اند. شخصیت‌های ممتاز به یک محله اعتبار و هویت می‌بخشند و بالعکس وجود افرادی که به هر دلیل بدنام هستند یا آثار سوء از خود به جای گذاشته‌اند، مایه بی‌اعتباری محله خواهند بود و به تعبیر گافمنی آن، داغ ننگ بر پیشانی محله می‌زنند. محلات اصیل و ریشه‌دار که از منابع اعتماد، مشارکت و معاشرت شبکه همسایگی بهره‌مند هستند، بستر مناسبی برای امنیت، آرامش، آسایش، رضایت خاطر، منزلت و پایگاه اجتماعی، انسجام و بالندگی مهیا می‌سازند. در عوض، محله‌های که درگیر انزوا، تخاصم، خشونت و نابهنجاری‌های اجتماعی هستند، یا همگرایی و جوشش جمعی همسایگان و روحیه رفاقت، همکاری و تهاتر در آنها به چشم نمی‌خورد، احساس ناامنی، اضطراب و دلهره غلبه دارد و انسان در آن احساس غربت، تنهایی و خلاء عاطفی می‌کند. زیمیل در مقاله کلان‌شهر و حیات ذهنی به پدیده‌ای بنام "بلازه" یا دلزدگی اشاره می‌کند. این پدیده محصول دسته‌ای از تحریکات شدیداً عصبی است؛ یک نوع ناتوانی در برابر محرک‌های بزرگ که با صرف انرژی‌های زیادی همراه است، به عقیده زیمیل گرایش به بلازه را می‌توان در میان کودکان شهرهای بزرگ به خصوص در مقایسه با کودکان متعلق به محیط‌های صمیمانه‌تر مشاهده کرد. زیمیل، پدیده دلزدگی را خاص کلانشهرها و محصول غریبگی در مقایسه با محیط‌های صمیمی و آشنا تشخیص می‌دهد (زیمیل، ۱۳۸۵: ۵۵).

هویت محله در شهر تهران طی دهه‌های اخیر، تحت تأثیر مهاجرت بی‌رویه، توسعه نامتوازن، تأثیر نیرومند اقتصاد پولی، مصرف‌گرایی، سوداگری، بیشینه‌سازی سود، مدرنیته، اقتصاد سرمایه‌داری، سبک جدید زندگی، ذائقه سیال شهروندان، گرایش به خشنودی‌های شخصی، فردگرایی، تغییرات سبک معماری و شهرسازی، رشد عمودی شهرها، افزایش تراکم ساختمانی، ازدحام جمعیت، فرهنگ ماشین و هجوم گسترده اتومبیل، فقدان اقبال عمومی نسبت به

حضور در عرصه عمومی و فقر فضاهای مناسب شهری، افت شدید مناسبات همسایگی و کثیری از عوامل دیگر دچار تغییرات بنیادین گردید.

کلاد براون می‌نویسد؛ من هارلم را به مثابه خانه خود می‌پندارم اما هرگز تصور نمی‌کنم که هارلم در خانه من است، برای من خانه همان خیابان‌هاست (شکوئی، ۱۳۶۹: ۴۸). این در حالی است که اشاعه روحیه فردگرایانه، غلبه خشنودی‌های شخصی بر منافع اجتماعی و تمرکز صرف بر مالکیت شخصی، تهران را بدل به شهری کرده‌است که برای اکثریت، همه شهر در خانه‌شان خلاصه می‌شود. کانون توجه شهروندان به آپارتمان مسکونی و نهایتاً به ساختمانی است که در آن سکونت دارند. کمتر خانواده‌ای نسبت به پشت درب‌های ساختمان مسکونی که متعلق به خودشان است، دغدغه دارد.

واقعیت اجتماعی امروز تهران، فاصله گرفتن از هویت‌های اصیل محله‌ای است که بخش‌های مهمی از آن به خاطر فروش تراکم ساختمانی، نوسازی بی‌امان و کسالت‌آور ساختمان‌های مسکونی، تبدیل شهر به کارگاه ساختمانی، ساخت فروشگاه‌های بزرگ تجاری، ازبین بردن نوستالوژی محله‌های شهری و تولید بافت‌های جدیدی است که احساس تعلق به مکان، آشنایی و مناسبات همسایگی در آن به غایت از دست رفته است و غریبگی، گمنامی، ناامنی و مخاطرات ناشی از عدم کنترل اجتماعی و بی‌تفاوتی ساکنان محلات نسبت همسایه‌ها، جایگزین آن شده است. چارچوب دستگاه نظری متفکرانی چون لوفور و هاروی، تولید فضاهای جدید، ظهور ساختمان‌های بلندمرتبه تجاری، اداری، بورس‌بازی و سوداگری در نحوه استفاده از زمین در شهر تهران بازتاب اقتصاد سرمایه‌داری معاصر به منظور بیشینه‌سازی سود و ارزش اضافی است. این فعل و انفعالات سودجویانه هویت محلات تهران را به شدت دچار تشویش است

با نگرش جامعه‌شناختی به فرایند تحولات تهران در طول چند دهه اخیر و تجارب زندگی روزمره، این تصور در اذهان قوت می‌گیرد که مفهوم اجتماعی محله به صورت بطنی در دست فراموشی است و اگر نامی از محلات باقی‌مانده، صرفاً یک مفهوم جغرافیایی و تقسیمات شهری است. مایه نگرانی است که با ادامه این روند و افت حس تعلق به مکان و محله زندگی، "بچه‌محله‌ها" به خاطرها خواهند پیوست. دور از انتظار نیست در آینده نه چندان دور، در تهران و برخی کلان‌شهرهای کشور، خاطرات بچه‌های محله در قصه‌های مادر بزرگ‌ها و داستان‌های نوستالوژیک جستجو شوند.

پژوهشگر در این مقاله در صدد است، نسبت به مقایسه تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر هویت محله‌ای در محله‌های نمونه شهر تهران با استفاده از مدل تحلیل رگرسیون اهتمام ورزد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در دهه‌ها اخیر با استحاله هویت محله‌ای تهران، گروه اجتماعی دوستان محله و گروه‌های همسایگی که به تعبیر کولی، گروه‌های نخستین و یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی هستند، به افول گراییده است. کوچه‌های خالی از جنب و جوش کودکان همبازی با ساختمان‌های بلند سنگی و اغتشاش در تناسبات انسان، فضا و معماری شهر، حیات مدنی آن را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. مناسبات اجتماعی مستمر و معاشرت آشنایان همسایه در بسیاری از محلات تهران از صحنه زندگی اجتماعی برچیده شده یا شدیداً به تحلیل رفته است. با استحاله هویت

محل‌های، گروه اجتماعی "بچه محله‌ها" در غالب محلات شهر تهران، به ویژه بافت‌های جدید، از بین رفته یا در اشکال و سبک‌های جدیدی در حال بروز و ظهور می‌باشند. تقلیل مناسبات همسایگی، گسست روابط اجتماعی، بیگانه شدن از فضای عمومی و خیابان‌های محلات، خدشه در فرایند اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان، کاهش مشارکت محله‌ای، فقدان کنترل اجتماعی، خلاء تأمین اوقات فراغت، تسلط فرهنگ بی‌تفاوتی، ترویج روحیه انزواگرایی، احساس تنهایی، تقلیل روحیه جمعی، فقدان میدانی برای تمرین دموکراسی و کار جمعی، عدم احساس تعلق خاطر نسبت به محیط زندگی، از تبعات اجتناب ناپذیر کاهش هویت محله‌ای در تهران است. متأسفانه دامنه این ساخت جدید واقعیت اجتماعی صرفاً به محلات ختم نمی‌شود، بلکه در فرایند اجتماعی شدن چنان یک شیوه پرورشی و آموزه رفتاری در ساختمان ذهنی کودکان و نوجوانان رخنه نموده و در آینده‌ای نه چندان دور به واسطه درونی شدن، خصلت نهادی یافته و فرایند زندگی اجتماعی افراد، از قواعد زندگی خانوادگی، تا نحوه تعامل در بازار کار و فعالیت را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

اهداف تحقیق

پژوهشگر در این تحقیق بر آن است تا میزان تبیین متغیر هویت محله‌ای توسط متغیرهای سرمایه اجتماعی، سبک زندگی، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، کیفیت فضای کالبدی، امنیت اجتماعی، ارتباطات از راه دور را به همراه متغیرهای زمینه‌ای مانند بعد خانوار، تعداد فرزندان، مدت سکونت، تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال، مساحت منزل مسکونی، تعداد واحدهای ساختمان منزل مسکونی و غیره را در سه محله ولنجک، وحیدیه و حصارک مقایسه کند.

چارچوب نظری

از نظر جنکینز هویت اجتماعی متضمن درک چه کسی بودن خودمان و دیگران است. هویت فردی، تفاوت‌ها و هویت جمعی، شباهت‌ها را بیان می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۷). هویت جمعی وجوه مشترک باورها، پنداشت‌ها و انتظارات افراد برای تولید و بازتولید روح جمعی است. زمان و مکان نیز منبعی برای ساخت هویت اجتماعی می‌باشد (همان، ۴۶). تاجفل هویت را احساس تعلق به گروه خودی و مجزا شدن از غیرخودی می‌داند (Tajfel, 1978: 63). پیران تاریخیت، مکانیت، جمع‌گرایی، احساس تعلق گروهی، قبیله‌ای و خانوادگی را ابعاد هویت شهری می‌خواند (پیران، ۱۳۸۴: ۹-۷). هاروی شرط تخیل فضایی را رابطه میان فرد، محله و سرزمین و به قول مردم کوچه و بازار، بچه کجا بودن دانسته و هویت طبقه کم‌درآمد را به محیط سکونت آن‌ها وابسته می‌داند (هاروی، ۱۳۷۶: ۲-۴). اینگلهارت و الیاس هویت جامعه مدرن را گمنامی، فردگرایی، احساس غربت و انزوا پنداشته‌اند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۷۴ و الیاس، ۱۳۸۵: ۸۱-۸۰). چپمن، هویت محله را به ویژگی‌های توپوگرافیک، دوره‌های تاریخی توسعه، نوع و مصالح ساختمان، یا ترکیبی از این‌ها پیوند می‌زند. باندز، سبک زندگی، شکل و محل سکونت را بازتاب‌دهنده ابراز هویت می‌پندارد (چپمن، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

هانیفان سرمایه اجتماعی را به زندگی روزانه مردم حاوی معاشرت، هم‌فکری، هم‌دردی و دادوستدهای اجتماعی متصف می‌نماید و فوکویاما آن را متوجه گروه‌ها و افراد متصور شده و مقیاس آن را در تبادل اطلاعات گروه‌های کوچک تا تمامی یک ملت اذعان می‌دارد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۳). از منظر بوردیو و کلمن سرمایه اجتماعی به واسطه

شبکه پایداری از روابط نهادی شده، رفاقت و شناخت حاصل می‌شود (فیلد، ۱۳۸۸: ۹۵). سرمایه اجتماعی با "شبکه اجتماعی" و "هنجارهای متقابل" مربوط به آن‌ها مشخص می‌شود و خطوط سرمایه اجتماعی، سلامت دمکراسی‌های ما و اجتماعات ما و خودمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Putnam 2002, 6, 8 in Abell, 2010, 49). چپ‌من و جیکوبز خیابان و فضاهای عمومی را مشوق سرمایه اجتماعی دانسته‌اند (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۲۱۳ و چپ‌من، ۱۳۹۴: ۶-۱۷۵). هاروی در مقابل پویش‌های غیرانسانی بازار "نهایتاً" را یک نیروی متعادل کننده در تحکیم روابط همسایگی معرفی می‌کند و اتومبیل را باعث محرومیت از تماس با دیگران تشخیص می‌دهد (هاروی، ۱۳۷۶: ۲-۳۴۱ و ۱۲۸). ایمری و همکاران مجردها و زوج‌های جوان را عامل کاهش حس تعلق به مکان و مشارکت داشته و افزایش سطح پیاده‌روی را سبب تعاملات اجتماعی و حس هم‌محل‌های بودن می‌دانند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲-۲۸۱).

بورديو تنوع "سلیقه" را باعث وحدت افراد دارای ترجیحات مشابه و تمایز ترجیحات متفاوت می‌داند و از تحمیل سلیقه افراد طبقه فرادست سخن می‌گوید (ریترز، ۱۳۹۳: ۷۱۴). به باور باومن فرادستان خود را متعلق به محلی که در آن ساکن هستند نمی‌داند، اما طبقه فرودست جامد و محکم در امور محلی متمرکزند و محکوم‌اند که محلی باقی بمانند (باومن، ۱۳۸۴: ۵-۱۵۴). پیتر هال از همجواری برخی از ملت‌ها برای پایه پایگاه و وضعیت اجتماعی و از همبستگی برخی دیگر مانند کرانه‌های دریای مدیترانه با ترکیب پیچیده‌ای از فرهنگ‌ها سخن می‌راند. از نگاه او طراحی شهر ملهم از فرهنگ‌ها و سبک زندگی بوده و از این منظر شهرهای شعاعی اجتماع دوست و سیستم شبکه‌ای اجتماع‌گیز است (هال، ۱۳۹۳: ۳-۱۷۲).

چپ‌من درون‌گرایی، مهم نبودن ظاهر خانه‌ها، چسبیده بودن خانه‌ها حول حیاط مرکزی و مرمت تدریجی ساختار موجود بدون نوسازی را ملهم از قوانین و سنت‌های مذهبی دنیای اسلام توصیف می‌کند. به زعم او خیابان‌ها و میدانی که در گذشته مکانی برای دور هم جمع شدن بودند، اکنون عامل تقسیم‌کننده جامعه می‌باشند. هانری لوفور سرمایه‌داری و مدرنیته را موجب تغییر محل پذیرایی مهمانان از خانه به کافه می‌داند (چپ‌من، ۱۳۹۴: ۷۴). شوالباخ تعداد طبقات، فرم بنا، شکل سقف، سن بنا، سیستم دسترسی، توپوگرافی، کاربری زمین و نحوه توسعه شهر را ویژگی‌های کالبدی-فضایی معرفی می‌کند (شوالباخ، ۱۳۹۶: ۸-۹۲). هال مکان‌هایی مانند کافه‌های کنار خیابان را اجتماع‌گرا و اتاق‌های انتظار راه‌آهن را به خاطر ممانعت از همبستگی اجتماعی اجتماع‌گیز می‌خواند. هاروی محلات کوچک را با فرض ثابت بودن سایر عوامل مشارکت‌پذیر ارزیابی می‌کند (هال، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۱).

به باور جیکوبز تبدیل ساختمان‌های چهار تا پنج طبقه به یک تا دو خانوار به عنوان تغییری در راستای بازی بچه‌ها و معاشرت است (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۹-۸). پارک‌ها، میدانی و ساختمان‌های عمومی موقعیت عمل جمعی محلات را ارتقاء می‌دهند، تنوع کاربری در محله‌های شهر مردم را به خیابان و فضاهای عمومی می‌کشاند، بلوک‌های دراز شرقی-غربی مانع برخورد مردم در مسیرهای مختلف می‌شوند و محلات پیشاپیش یکسان‌سازی شده در خانه‌های چهار تا پنج طبقه فاقد دامنه خوبی از تنوع است (جیکوبز، ۴۱۵). او با تأکید بر انقطاع بصری، قطع دید عمق قابل رویت و تقویت کاربری، خیابان‌های قدیمی با الگوی بی‌قاعده را واجد این ویژگی‌ها می‌داند (همان، ۳-۴۱۲). محله با قابلیت پیاده‌روی بی‌خطر، خدمات خوب توأم با کیفیت، یک تجربه مثبت از قدم زدن را تولید می‌کند. تجربه مثبت بدین معنی که خیابان و مسیرهای پیاده، راحت و جذاب باشد (Talen & Koschinsky, 2001, 43).

به عقیده فیسک مراکز خرید بزرگ شهر، کمر مراکز خرید سنتی را شکستند (باندز، ۱۳۹۴: ۱۶۴). ایمری و همکاران توسعه بازارهای جدید را مسبب از بین رفتن تاریخ و اجتماعات محلی دانسته‌اند (ایمری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱-۳۹۰). به باور لوفور، فرهنگ ماشین و هجوم گسترده آن، شهر را استثمار و زندگی روزمره را تسخیر نموده است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۲-۵۵۱). شالین سوداگری و بورس‌بازی را عامل تخریب پیش‌رس ساختمان‌ها، قبل از کهنگی و از کارافتادگی می‌داند (شالین، ۱۳۷۲: ۱۲۰). به اعتقاد هاروی با کاهش ارزش اضافی بخش صنعت، قسمتی از آن از طریق بورس‌بازی، ساختمان‌سازی و معاملات املاک رشد می‌کند. تخریب بناها در اقتصاد کلانشهرها تنها یک احساس فرهنگی تجددخواهی و علاقه به ساختمان‌های جدید است. کارخانجات اتومبیل‌سازی با حفظ و گسترش تقاضای مؤثر، موجب افزایش تقاضا برای اتومبیل‌ها گردیده‌اند (هاروی، ۱۳۷۳: ۲۹۰).

به باور جیکوبز، فضاهای عمومی و بنگاه‌های اقتصادی نظیر مغازه‌ها با ترکیب خوبی از ساختمان‌های قدیمی و کسب‌وکارهای متنوع به تقویت امنیت پیاده‌راه می‌انجامد (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۵). باندز و جیکوبز، امنیت خیابان را محصول شبکه پیچیده و اغلب ناآگاهانه و داوطلبانه می‌دانند (باندز، ۱۳۹۴: ۴۱ و جیکوبز، ۱۳۹۲: ۲۸۲). هال و جیکوبز معتقدند، ساختمان‌های بلند نظارت بر کودکان را هنگام بازی در خیابان دچار نقص می‌کند (هال، ۱۳۹۳: ۲۰۲ و جیکوبز، ۱۳۹۲: ۴۳۵). باندز خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی را باعث محدودیت استفاده از آن دانسته و تغییرات جمعیتی و دگرگونی در کاربری زمین را باعث ناامن شدن محلات برمی‌شمارد (باندز، ۱۳۹۴: ۹-۱۷۸). فرانکلین در واکنش به جامعه ریسکی که اولریش بک، گیدنز و باومن از آن سخن می‌گویند، احیای نهادهای قدیمی مانند خانواده و محلات را پیشنهاد می‌کند (چپ‌من، ۱۳۹۴: ۲۸۰-۲۷۸). ولمن و دیگران با اشاره به تأثیرات دو پهلوی اینترنت، مدعی هستند، اینترنت برای آن‌هایی که روابط بادوامی دارند، وسیله تعقیب روابط اجتماعی است و برای کسانی که در آن غوطه‌ور می‌شوند به کاهش مشارکت منتج می‌شود (باندز، ۱۳۹۴: ۳-۲۸۲). گراهام و ماروین معتقدند؛ روابط متقابل در خیابان‌ها و فضاهای عمومی کمتر می‌تواند تبدیل به امری از راه دور شود. میچل معتقد است اینترنت مفاهیم دریافتی‌مان از جامعه محلی را بازتعریف نموده، هندسه را منتفی ساخته و ضدفضایی است (گراهام و ماروین، ۱۳۹۲: ۵۳ و ۹۰). تافلر جامعه کلبه الکترونیکی را مستغنی از روابط چهره‌به‌چهره نمی‌داند (همان، ۹۰-۸۶). به اعتقاد موراگ تلفن عامل پیوندهای دوستانه است، تلویزیون "مراسم و شعائر" گردهم‌آیی‌های اجتماعی را پشتیبانی می‌کند و بازی‌های کامپیوتری موجب ظهور انزوای اجتماعی می‌گردد (همان، ۷۲-۱۶۹).

روش تحقیق

در این تحقیق که با روش پیمایشی انجام شد و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری گردید. جامعه آماری شامل ساکنین محلات ولنجک، وحیدیه و حصارک بود که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۵۶۰۶۰ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر و با احتساب ۱۰ درصد ضریب خطا، ۴۲۰ نفر برآورد شد. از آنجا که نسبت جمعیت هر محله از جامعه آماری متفاوت بود و محقق در صدد مقایسه محلات است، از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی بهره گرفت.

پس از گردآوری داده‌ها، برای مقایسه میزان تبیین‌کنندگی متغیرهای مستقل و پیدا کردن روابط مستقیم و غیرمستقیم که تفاوت میزان تبیین متغیر وابسته در سه محله را تحت تأثیر قرار می‌دهد از تحلیل رگرسیون به منظور یافتن مدل تحلیل مسیر برای تبیین هویت محله‌ای استفاده شد.

جدول ۱: جمعیت نمونه در هر یک از محلات مورد مطالعه

جمعیت	درصد از کل جامعه آماری	تعداد نمونه در هر محله (بدون احتساب خطای بی‌پاسخی)	تعداد نمونه در هر محله (با احتساب خطای بی‌پاسخی)
ولنجک	۴۰/۶	۱۵۵	۱۷۱
حصارک	۸/۴	۳۲	۳۵
وحیدیه	۵۱	۱۹۵	۲۱۴
کل	۱۰۰	۳۸۲	۴۲۰

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق که هدف محقق مقایسه مدل تحلیل مسیر برای تبیین متغیر هویت محله‌ای در سه محله مورد مطالعه است، ابتدا تحلیل رگرسیون برای هر محله انجام شده و مدل نهایی آن ترسیم شده است. جدول زیر میزان تبیین تغییرات متغیر هویت محله‌ای توسط متغیرهای مستقل را به تفکیک محلات نشان می‌دهد:

جدول ۲: میزان برازندگی مدل به تفکیک محلات

	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
حصارک	۰/۸۹۹	۰/۸۰۷	۰/۵۳۸
وحیدیه	۰/۸۰۸	۰/۶۵۳	۰/۶۲۴
ولنجک	۰/۶۱۰	۰/۳۷۲	۰/۳۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیرهای مستقل، ۵۳/۸ درصد تغییرات هویت محله در حصارک، ۶۲/۴ درصد در محله وحیدیه و ۳۰/۹ درصد تغییرات هویت محله‌ای در ولنجک را تبیین می‌کنند. در مقایسه میزان تبیین‌کنندگی متغیرهای مستقل در محلات نمونه، بیشترین میزان تبیین در محله وحیدیه و کمترین میزان در محله ولنجک دیده شد. به همین دلیل میزان تأثیر هریک از متغیرها بر هویت محله‌ای و روابط درونی متغیرهای مستقل با یکدیگر بر اساس تفاوت در میزان تبیین‌کنندگی در بین محلات متفاوت است. به همین منظور از تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای سنجش میزان تأثیرات متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر متغیر وابسته به تفکیک محلات استفاده شد که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۳: تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین‌کننده متغیر هویت محله‌ای

محله	ولنجک	وحیدیه	حصارک
متغیرهای مستقل	ضریب بتا	ضریب بتا	ضریب بتا
تعداد اعضای خانواده	۰/۰۷۱	۰/۶۹۲	-۰/۰۶۰
تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال	۰/۰۲۴	۰/۷۲۸	۰/۰۲۰
تحصیلات	-۰/۱۷۳	۰/۰۱۹	۰/۰۵۰
مدت سکونت	۰/۱۶۶	۰/۰۳۰	۰/۲۷۲
مساحت منزل مسکونی	۰/۰۴۲	۰/۵۷۱	-۰/۰۳۲
تعداد واحدهای مسکونی	۰/۰۷۲	۰/۳۳۶	۰/۰۰۳
تعداد اتومبیل در خانواده	-۰/۱۶۵	۰/۰۳۳	-۰/۰۳۴
سرمایه اجتماعی	۰/۳۶۶	۰/۰۰۰	۰/۵۲۲
سبک زندگی	۰/۲۲۳	۰/۰۰۴	۰/۰۸۰
کیفیت فضای کالبدی	۰/۰۸۰	۰/۲۸۸	۰/۰۷۱
اقتصاد سرمایه‌داری معاصر	-۰/۱۲۳	۰/۱۱۸	-۰/۰۴۸
امنیت اجتماعی	-۰/۰۴۷	۰/۵۷۱	۰/۱۸۰
ارتباطات از راه دور	۰/۰۶۹	۰/۳۳۹	-۰/۱۲۷

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رگرسیون در محله حصارک نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تنها دو متغیر مدت سکونت و سرمایه اجتماعی توان تبیین متغیر هویت محله‌ای در حصارک را داشته‌اند. در محله وحیدیه، علاوه بر این دو متغیر، متغیرهای امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور نیز تبیین‌کننده متغیر هویت محله‌ای بودند. متغیرهای تحصیلات، مدت سکونت، تعداد اتومبیل در خانواده، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی متغیرهایی بودند که توان تبیین هویت محله‌ای در محله ولنجک را داشتند. از آنجا که متغیر سرمایه اجتماعی در هر سه محله از ضریب بتای بالاتری نسبت به سایر متغیرهای تبیین‌کننده، برخوردار است، در مرحله دوم، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود تا تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر آن در هر سه محله بر این متغیر سنجیده شود و روابط غیرمستقیم نیز آشکار گردند. از این طریق تأثیرات غیرمستقیم برخی از متغیرهای مستقل که در سطح اطمینان ۹۵ درصد از مدل خارج می‌شدند یا علاوه بر تأثیر مستقیم، دارای تأثیر غیرمستقیم هم بودند، شناسایی می‌شود. میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر سرمایه اجتماعی در زیر آمده است:

جدول ۴: تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین‌کننده متغیر سرمایه اجتماعی

محله	ولنجک	وحیدیه	حصارک
متغیرهای مستقل	ضریب بتا	ضریب بتا	ضریب بتا
تعداد اعضای خانواده	-۰/۲۸۰	۰/۱۴۰	۰/۰۷۱
تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال	۰/۰۸۶	۰/۲۳۸	۰/۰۵۲
تحصیلات	۰/۰۷۱	۰/۳۵۵	-۰/۱۵۸
مدت سکونت	۰/۱۵۱	۰/۰۵۸	۰/۰۳۹
مساحت منزل مسکونی	۰/۰۳۷	۰/۶۳۴	-۰/۱۰۷
تعداد واحدهای مسکونی	-۰/۰۶۷	۰/۳۹۵	۰/۴۲۷
تعداد اتومبیل در خانواده	-۰/۱۰۳	۰/۲۰۱	۰/۱۱۵
سبک زندگی	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۷۴
کیفیت فضای کالبدی	۰/۱۰۸	۰/۱۷۳	-۰/۰۸۴
اقتصاد سرمایه‌داری معاصر	-۰/۰۶۲	۰/۴۵۸	-۰/۰۲۵
امنیت اجتماعی	۰/۲۹۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴
ارتباطات از راه دور	۰/۰۱۹	۰/۸۰۷	-۰/۲۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیر تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال در محله حصارک تنها متغیری است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد تبیین‌کننده متغیر سرمایه اجتماعی بود. در محله وحیدیه، متغیرهای مدت سکونت، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور علاوه بر تأثیر مستقیم بر هویت محله‌ای از طریق متغیر واسطه که سرمایه اجتماعی بود، هویت محله‌ای را تبیین می‌کنند. در وحیدیه علاوه بر این متغیرها، تعداد واحدهای مسکونی، سبک زندگی، کیفیت فضای کالبدی و اقتصاد سرمایه‌داری معاصر، متغیرهایی بودند که علی‌رغم اینکه رابطه مستقیم با هویت محله‌ای نداشتند، به صورت غیرمستقیم بر آن تأثیرگذار بودند. در محله ولنجک، متغیر سبک زندگی افزون بر رابطه مستقیم، رابطه غیرمستقیم از طریق متغیر سرمایه اجتماعی را نشان داد و امنیت اجتماعی نیز متغیری بود که به شکل غیرمستقیم تأثیرگذار بود. در حصارک تنها یک متغیر زمینه‌ای بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بود که نمی‌توان آن را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفت؛ به همین دلیل تحلیل رگرسیون به منظور پیدا کردن روابط غیرمستقیم در محله حصارک ادامه پیدا نمی‌کند. اما در محله وحیدیه و ولنجک، سبک زندگی متغیری بود که بیش از سایر متغیرهای مستقل قدرت تبیین‌کنندگی داشت؛ بنابراین

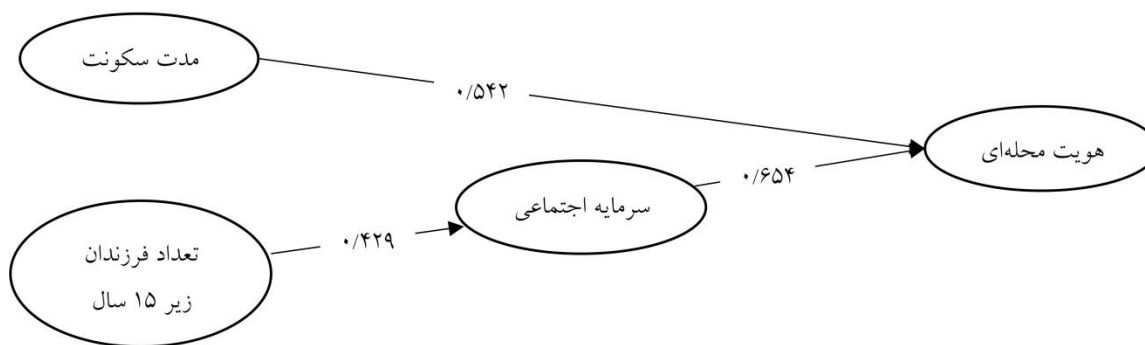
این متغیر به عنوان متغیر وابسته در این دو محله در نظر گرفته شد و تأثیر سایر متغیرهای مستقل و متغیرهای زمینه‌ای بر آن سنجش شد.

جدول ۵: تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین‌کننده متغیر سبک زندگی

محله	ولنجک	وحیدیه	ضریب بتا	ضریب بتا
متغیرهای مستقل	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری
تعداد اعضای خانواده	۰/۲۱۱	۰/۳۱۵	۰/۴۱۸	۰/۰۳۲
تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷	-۰/۱۱۲	۰/۱۳۶
تحصیلات	۰/۰۲۱	۰/۸۰۶	-۰/۱۱۵	۰/۱۳۱
مدت سکونت	-۰/۰۲۷	۰/۷۶۳	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰
مساحت منزل مسکونی	۰/۰۴۳	۰/۶۱۹	-۰/۰۸۹	۰/۲۸۰
تعداد واحدهای مسکونی	-۰/۰۴۶	۰/۵۹۹	۰/۱۸۹	۰/۰۰۷
تعداد اتومبیل در خانواده	۰/۱۸۳	۰/۰۴۰	۰/۱۹۳	۰/۰۰۵
کیفیت فضای کالبدی	-۰/۰۱۱	۰/۹۰۴	۰/۱۲۶	۰/۰۶۷
اقتصاد سرمایه‌داری معاصر	-۰/۰۷۲	۰/۴۳۷	۰/۰۵۳	۰/۴۵۰
امنیت اجتماعی	۰/۱۹۹	۰/۰۳۰	۰/۱۶۶	۰/۰۲۳
ارتباطات از راه دور	۰/۱۷۶	۰/۰۳۸	۰/۰۵۰	۰/۴۸۱

منبع: یافته‌های پژوهش

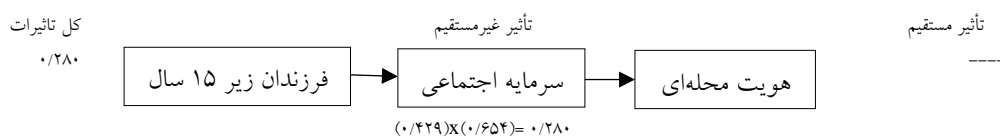
در محله ولنجک متغیرهای تعداد اتومبیل در خانواده، امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور در سطح اطمینان ۹۵ درصد تبیین‌کننده متغیر سبک زندگی بودند و از طریق این متغیر بر هویت محله‌ای تأثیرگذار بودند. در این مرحله به دلیل آن که میزان تبیین‌کنندگی متغیرهای مورد مطالعه در محله ولنجک که در سطح اطمینان ۹۵ درصد نزدیک به هم هستند و در محله وحیدیه، بیشترین ضریب بتا به متغیر زمینه‌ای اختصاص دارد، با واسط قرار دادن دو متغیر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی، مدل تحلیل برای دو محله وحیدیه و ولنجک و واسط قرار دادن متغیر سرمایه اجتماعی در محله حصارک، با نشان دادن روابط مستقیم و غیرمستقیم ترسیم شده و در نهایت کل تأثیرات متغیرها بر متغیر هویت محله‌ای سنجش شده است. مدل تحلیل مسیر در محله حصارک به شکل زیر است:



مدل ۱: مدل تحلیل مسیر محله حصارک

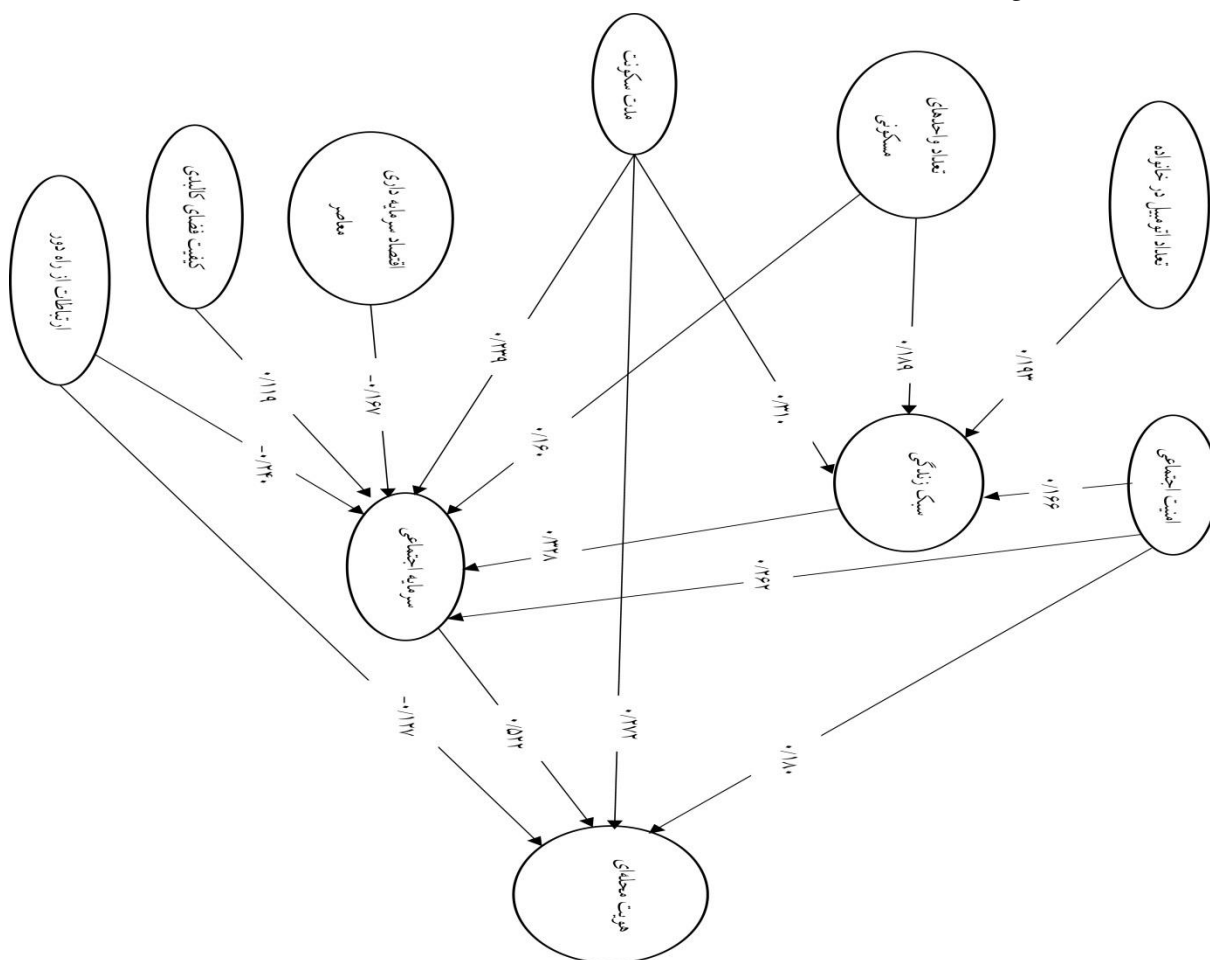
در محله حصارک، تنها یک رابطه غیرمستقیم وجود داشت که به صورت زیر محاسبه شده است:

جدول ۶: کل تأثیرات متغیر تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال بر متغیر هویت محله‌ای در حصارک



در مدل تبیین‌کننده محله حصارک، تنها یک متغیر؛ تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال بود که به صورت غیرمستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی بر متغیر هویت محله‌ای تاثیرگذار بود. از آنجا که این متغیر، هویت محله‌ای را به صورت مستقیم تبیین نمی‌کرد، کل تاثیرات آن برابر با تاثیرات غیرمستقیم بوده که برابر با ۰/۲۸۰ است. علاوه بر این متغیر، متغیرهای سرمایه اجتماعی و مدت سکونت که تأثیر مستقیم بر هویت محله‌ای داشتند، تغییرات این متغیر را تبیین می‌کردند. سایر متغیرها به دلیل معنادار نبودن میزان بتای آن‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد از مدل تحلیل مسیر محله حصارک خارج شدند.

مدل تحلیل مسیر محله وحیدیه که نشان داد ۶۲/۴ درصد از تغییرات هویت محله‌ای توسط متغیرهای درون مدل تبیین می‌شوند و تأثیر غیرمستقیم دو متغیر زمینه‌ای؛ تعداد واحدهای مسکونی و تعداد اتومبیل در خانواده را در کنار ارتباط مستقیم مدت سکونت را نشان می‌دهد. علاوه بر این متغیرها، سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اقتصاد سرمایه‌داری معاصر تأثیر مستقیم در تبیین تغییرات هویت محله‌ای داشتند و به علاوه دو متغیر امنیت اجتماعی و اقتصاد سرمایه‌داری معاصر نیز تأثیر غیرمستقیم از طریق متغیر واسطه سرمایه اجتماعی بر هویت محله‌ای را نشان دادند. سبک زندگی، ارتباطات از راه دور و کیفیت فضای کالبدی، متغیرهایی بودند که فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی و سبک زندگی قادر به تبیین تغییرات هویت محله‌ای در وحیدیه بودند. مدل تحلیل مسیر وحیدیه به این شکل است:



مدل ۳: مدل تحلیل مسیر محله وحیدیه منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۷: کل تاثیرات متغیرهایی با تأثیر غیرمستقیم بر متغیر هویت محله‌ای در وحیدیه

تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	کل تاثیرات
	$\text{مدت سکونت} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/239) \times (0/522) = 0/124$	0/449
0/272	$\text{مدت سکونت} \rightarrow \text{سبک زندگی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/310) \times (0/328) \times (0/522) = 0/053$	0/449
-0/127	$\text{ارتباطات از راه دور} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(-0/240) \times (0/522) = -0/125$	0/252
	$\text{امنیت اجتماعی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/262) \times (0/522) = 0/136$	0/338
0/180	$\text{امنیت اجتماعی} \rightarrow \text{سبک زندگی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/166) \times (0/262) \times (0/522) = 0/022$	0/338
----	$\text{اقتصاد سرمایه‌داری معاصر} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(-0/167) \times (0/522) = -0/087$	0/087
----	$\text{تعداد اتومبیل} \rightarrow \text{سبک زندگی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/193) \times (0/328) \times (0/522) = 0/033$	0/033
	$\text{تعداد واحدهای مسکونی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/160) \times (0/522) = 0/083$	0/115
----	$\text{تعداد واحدها} \rightarrow \text{سبک زندگی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/189) \times (0/328) \times (0/522) = 0/032$	0/115
----	$\text{کیفیت فضای کالبدی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/119) \times (0/522) = 0/062$	0/062
----	$\text{سبک زندگی} \rightarrow \text{سرمایه اجتماعی} \rightarrow \text{هویت محله‌ای}$ $(0/328) \times (0/522) = 0/171$	0/171

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول بالا تاثیرات کل متغیرهایی که در وحیدیه به صورت غیرمستقیم یا هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر هویت محله‌ای تاثیرگذار بودند، محاسبه شده است. در محله ولنجک، متغیرهای تحصیلات و مدت سکونت که از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق بودند، تنها تأثیر مستقیم بر هویت محله‌ای داشتند و متغیر تعداد اتومبیل در خانواده، علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق متغیر سبک زندگی بر متغیر وابسته تاثیرگذار بود. سبک زندگی به جز تأثیر

جدول ۸: کل تاثیرات متغیرهایی با تأثیر غیرمستقیم بر متغیر هویت محله‌ای در ولنجک

تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	کل تاثیرات
$0/223$ سبک زندگی → سرمایه اجتماعی → هویت محله‌ای	$(0/344) \times (0/223) = 0/125$	$0/348$
$-0/165$ تعداد اتومبیل → سبک زندگی → سرمایه اجتماعی → هویت محله‌ای تعداد اتومبیل → سرمایه اجتماعی → هویت محله‌ای	$(0/183) \times (0/223) = 0/040$ $(0/183) \times (0/344) \times (0/366) = 0/023$	$0/228$
امنیت اجتماعی → سبک زندگی → هویت محله‌ای امنیت اجتماعی → سرمایه اجتماعی → هویت محله‌ای امنیت اجتماعی → سبک زندگی → سرمایه اجتماعی → هویت محله‌ای	$(0/199) \times (0/223) = 0/044$ $(0/299) \times (0/366) = 0/109$ $(0/199) \times (0/344) \times (0/366) = 0/025$	$0/178$
ارتباطات از راه دور → سبک زندگی → هویت محله‌ای ارتباطات از راه دور → سبک زندگی → سرمایه اجتماعی → هویت محله‌ای	$(0/176) \times (0/223) = 0/039$ $(0/176) \times (0/344) \times (0/366) = 0/022$	$0/061$

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول بالا تاثیرات کل متغیرهایی که دارای روابط غیرمستقیم بر هویت محله‌ای ولنجک بودند محاسبه شده است. در محله ولنجک، مدت سکونت، تعداد اتومبیل در خانواده و سبک زندگی علاوه بر تأثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم نیز بر هویت محله‌ای تأثیر می‌گذارند. متغیرهای امنیت اجتماعی و ارتباطات از راه دور هم متغیرهایی بودند که فقط به شکل غیرمستقیم بر هویت محله‌ای تأثیر گذاشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق به مقایسه میزان تبیین هویت محله‌ای در سه محله حصارک، وحیدیه و ولنجک از طریق مدل تحلیل مسیر پرداخته است تا مشخص شود متغیرهای مستقل پیش‌بینی شده در تحقیق تا چه میزان، هویت محله‌های سه‌گانه تهران را تبیین می‌کنند. یافته‌های تحقیق مبین آن است که در محله حصارک ۵۳/۸ درصد تغییرات هویت محله‌ای از طریق متغیرهای مستقل درون مدل تبیین شده است. در این میان متغیر سرمایه اجتماعی با ۰/۶۵۴ در سطح اطمینان بیش از ۹۵ درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داد و پس از آن مدت سکونت با میزان تبیین‌کنندگی ۰/۵۴۲

و سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد در مرتبه دوم قرار گرفته است. همانگونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است یازده متغیر دیگر هیچ گونه تأثیر مستقیم در تبیین هویت محله‌ای در حصارک نداشته‌اند.

محله حصارک در کوهپایه شمال غرب تهران، بافت توپوگرافی ناهموارو، یک بافت نسبتاً ارزشمند روستایی است. محله‌ای با کوچه پس‌کوچه‌های بی‌قاعده، تنگ و باریک و پلکانی همراه با انقطاع بصری توأم با فضای مناسب برای مکث و معاشرت که بصورت شعاعی رشد یافته است. بسیاری از خانه‌ها، قدیمی هستند و فرم آن‌ها حال و هوای سنتی دارد. چپ‌من و جیکوبز خیابان‌ها و فضاهای عمومی را مشوق و محرک افزایش سرمایه اجتماعی می‌دانند. پیترو، طراحی شهر را ملهم از فرهنگ‌ها و سبک زندگی می‌داند و شهرهای شعاعی را اجتماع دوست می‌خواند. چپ‌من، درون‌گرایی، مهم نبودن ظاهر خانه‌ها، شکل‌گیری خانه‌ها حول میادین و مرمت تدریجی بدون تخریب و نوسازی را ویژگی شهرهای مذهبی دنیای اسلام می‌انگارد. با نگاهی به نقشه شهری حصارک، سیستم شعاعی فرم محله کاملاً مشهود است و اجتماع دوستی آن متأثر از این نوع شکل شهر، وجود کنج‌ها، میادین کوچک، خیابان‌هایی نسبتاً کوتاه با انقطاع بصری، قطع دید عمق قابل رویت، عدم توجه به ظاهر خانه‌ها، قابل مشاهده است.

کوچک بودن مقیاس محله که هاروی آن را به عنوان یک ویژگی برای مشارکت اجتماعی بالاتر می‌داند. کوتاه‌مرتبه بودن محله به نسبت محلات دیگر شهر تهران، تنوع کاربری‌ها و حضور مغازه‌ها در لابه‌لای ساختمان‌های مسکونی که جیکوبز از آن به عنوان مکانیزمی برای به خیابان کشاندن مردم متصور می‌شود، باعث شده‌اند که میزان سرمایه اجتماعی بیشترین اثر را در تبیین هویت محله ایفا کند. این محله، قومیتی بوده و از اصالت نسبی برخوردار است؛ بسیاری از اهالی این محله، حصارکی هستند و مدت زیادی است که ساکن این محل می‌باشند. از این رو طول مدت سکونت نیز از منظر دستگاه نظری هاروی توانسته است با بوجود آوردن تخیل فضایی، رابطه فرد و محله را تقویت کند، همچنین در ساخت همسایگی نقش ایفاء کرده و در میزان تبیین‌کنندگی هویت محله‌ای مؤثر واقع شود. کوچه‌های تنگ و باریک و همچنین پلکانی که استخوان‌بندی حصارک را تشکیل می‌دهند، فرصت تهاوتر، و تعاملات محله‌ای و برخوردهای باثبات را فراهم نموده و باعث استحکام روابط همسایگی، روحیه محله‌گرایی، مشارکت و هویت محله‌ای شده‌اند.

متغیر زمینه‌ای تعداد فرزندان زیر ۱۵ سال به واسطه سرمایه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد به میزان ۰/۲۸۰ تغییرات هویت محله‌ای را در حصارک را تبیین کرد. ایمری و همکاران معتقدند که خانواده‌های جوان و مجردها عامل کاهش مشارکت و حس تعلق به محله هستند. چرا که آن‌ها قادرند تسهیلات رفاهی و خدمات مورد نیاز خود را در مراکز دور از محله سکونت‌شان جستجو کنند. در حصارک داشتن فرزندان زیر ۱۵ سال موجب شده است تا ساکنین، امکانات و تسهیلات مورد نیاز خود را نه در فواصل دور بلکه در محله خود جستجو کنند که نمود آن استفاده از فضای کوچه و خیابان برای بازی بچه‌ها و نیز چگالی کاربری‌های مختلف تجاری، مغازه‌ها و فروشگاه‌ها در سطح محله است که موجب حس محله‌گرایی و تقویت شبکه روابط اجتماعی شده است.

در وحیدیه بسیاری از متغیرهای مستقل و زمینه‌ای در سطح معناداری ۹۵ درصد قادر بودند ۶۲/۴ درصد از تغییرات هویت محله‌ای را تبیین کنند. صرفاً تأثیر مستقیم سرمایه اجتماعی ۰/۵۲۲، و تأثیرات کل مدت سکونت ۰/۴۴۹، امنیت اجتماعی ۰/۳۳۸-، سبک زندگی ۰/۱۷۱، اقتصاد سرمایه داری معاصر ۰/۰۸۷، ارتباطات از راه دور ۰/۲۵۲،

کیفیت فضای کالبدی ۰/۰۶۲، تعداد اتومبیل‌ها ۰/۰۳۳ و تعداد واحدهای مسکونی ۰/۱۱۵ در سطح ۹۵ اطمینان درصد تغییرات هویت محله‌ای را تبیین نموده‌اند. متغیر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی به دلیل اینکه بالاترین میزان تبیین‌کنندگی در هویت محله‌ای و حیدیه را به خود اختصاص داده بودند به عنوان متغیر واسطه‌ای تعیین گردیده‌اند. در این مطالعه، ۷۱ درصد از پرسش‌شوندگان در پاسخ به گویه میزان خرید با پای پیاده در محله و حیدیه میزان آن را زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. همچنین ۵۹/۵ درصد، میزان استفاده از اتومبیل را برای خرید و انجام کارهای داخل شهر کم و خیلی کم ارزیابی کردند و از این نظر، بین سه محله کمترین میزان استفاده از اتومبیل را به خود اختصاص دادند. نظریه‌پردازانی چون پاتنام، جیکوبز، راب‌ایمیری و همکاران اعتقاد دارند که پیاده‌روی سبب بهبود و تشویق تبادل اجتماعی، ارتقاء حس تعلق به مکان و انسجام اجتماعی می‌شود. مایکل باندز بر این باور است اتومبیل، فرد را قادر می‌سازد بدون اینکه در محیط عمومی قدم بزند، خود را به فضاهای خصوصی پراکنده برساند. تی‌هال نیز می‌گوید، مردم با استفاده از ماشین نه تنها انگیزه پیاده‌روی خود را از دست داده‌اند، بلکه از تماس با دیگران نیز محروم می‌شوند. با توجه به نظریات فوق و همچنین مشاهدات محلی و یافته‌های تحلیل مسیر، بالا بودن میزان تبیین‌کنندگی سرمایه اجتماعی بخاطر خرید با پای پیاده، استفاده کمتر از اتومبیل برای انجام امورات در اقصی نقاط شهر و علی‌الخصوص خرید مایحتاج روزمره با وجود مغازه‌های متنوع در سطح محله است که در عین حال امکان پاتوق جوانان و اهالی و حضور آن‌ها در کوچه و خیابان را فراهم می‌آورد.

گویه‌هایی چون بازی بچه‌ها در کوچه، صدور مجوز والدین برای بازی بچه‌ها در کوچه و خیابان، کاهش امنیت ناشی از حضور افراد غریبه در محله، امنیت ناشی از حضور دائم مردم و فضاهای عمومی و خیابان، بروز رفتار ناشایست ناشی از تغییرات جمعیتی و اضطراب متأثر از تغییرات کاربری زمین، ناامنی ناشی از رفت و آمد اتومبیل، گویه‌هایی بوده‌اند که امنیت اجتماعی را سنجیده‌اند. این گویه‌ها توانسته‌اند به عنوان متغیر امنیت اجتماعی در سطح معناداری ۹۵ درصد، ۰/۳۳۸ از تغییرات هویت محله‌ای و حیدیه را تبیین کنند. شایان ذکر است ۲۵/۳ درصد از اهالی محله و حیدیه میزان امنیت اجتماعی را در طیف زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

جیکوبز در باب امنیت می‌نویسد ترس مردم از خیابان موجب استفاده کمتر مردم از آن شده و این به نوبه خود خیابان‌ها را ناامن می‌کند. وی در این زمینه با مایکل باندز هم‌عقیده است که آرامش در خیابان‌ها و پیاده‌روهای شهر نه به وسیله پلیس، بلکه توسط شبکه پیچیده و ناآگاهانه مردم پدید می‌آید. حضور دائم مردم در فضاهای عمومی و خیابان، کاهش تخلف تحت تأثیر همبستگی و انسجام اهالی محله با حضور آن‌ها در کوچه و خیابان بازتاب می‌یابد. همچنین جیکوبز فضاهای عمومی و بنگاه‌های اقتصادی نظیر مغازه‌ها، رستوران‌ها و کافه‌ها را عامل تقویت امنیت پیاده‌راه‌ها می‌داند. رونق حیات اجتماعی پیاده‌راه‌ها و مردمی که یکدیگر را می‌شناسند، به صورت صمیمانه گردهم جمع می‌شوند و با شبکه‌ای از اعتماد عمومی، امنیت آن را تأمین می‌کنند تبیین کننده تأثیر امنیت در هویت محله و حیدیه هستند. از طرفی عواملی نظیر ازدحام رفت و آمد اتومبیل، احداث ساختمان‌های چهار و پنج طبقه و بیشتر که مانع از نظارت بر بازی بچه‌ها در خیابان می‌شوند و جیکوبز و هال بر روی آن تأکید دارند، تغییرات شدید جمعیتی که باندز به آن اشاره می‌کند و تغییر در نحوه استفاده از زمین و البته حضور افراد ناباب و معتادان در کوچه پس

کوچه‌ها از جمله عواملی هستند نیز در تبیین تغییرات هویت محله‌ای توسط امنیت اجتماعی در وحیدیه اثر می‌گذارند.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد گسترش ارتباطات از راه دور در وحیدیه به میزان ۰/۲۵۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد به کاهش هویت محله‌ای منجر می‌شود. نقش گسترش ارتباطات از راه دور در تضعیف هویت محله‌ای به واسطه گسترش شبکه‌های اینترنتی، ممانعت تلویزیون از حضور در فضاهای عمومی محله‌ها، کم‌رنگ شدن حضور در فضاهای عمومی به خاطر استفاده از فضاهای مجازی، انتخاب دوستان در خارج از محله با استفاده از شبکه‌های مجازی، نقش تلفن در کاهش روابط چهره به چهره، کاهش بازی کودکان در فضای عمومی کوچه و خیابان به خاطر بازی‌های کامپیوتری و نقش تلفن در خرید مایحتاج روزانه گویه‌هایی متغیر ارتباطات از راه دور بوده‌اند. نتایج حاصله، تئوری‌های مبتنی بر تأثیر مثبت اینترنت و فضاهای الکترونیکی بر هویت محله‌ای را رد کرده و با نظریه میچل که معتقد است، اینترنت مکان اجتماعی را به طور بنیادی واژگون می‌کند، هندسه را از بین می‌برد و ضدفضایی است، همچنین دیدگاه باندز که مدعی است غوطه‌ور شدن در اینترنت افراد را بیش از تلویزیون از اجتماع و مشارکت سازمانی، سیاسی و خانوادگی دور می‌کند، و ایده گراهام و ماروین متضمن اینکه تکنولوژی ارتباط جمعی و اجتماعات مجازی قادر نیستند جایگزین روابط متقابل در قلمروهای عمومی اجتماعات شهری شوند و موجب از بین رفتن حوزه عمومی و حس محله‌گرایی خواهند شد، همسو و منطبق است.

پاسخ‌دهندگان وحیدیه‌ای میزان تأثیر متغیر سبک زندگی محله‌گرا با گویه‌هایی چون میزان علاقمندی به صمیمی بودن با همسایه‌ها و معاشرت با هم‌محله‌ای‌ها، یکدست بودن جامعه به لحاظ درآمدی و شغلی، میزان سفرهای داخلی و سفرهای خارجی، پذیرایی از مهمانان در رستوران‌های محل سکونت، میزان استفاده از اتومبیل شخصی و علائق ورزشی مشترک را با تأثیر کل ۰/۴۹۹ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در تغییرات هویت محله‌ای تأیید کردند. در همین رابطه اهالی این محله ۴۸/۱ درصد میزان گرایش به سبک زندگی محله‌گرا را متوسط و ۳۱ درصد میزان آن را زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به لحاظ سبک زندگی، با فرض تسهیل شدن عوامل دیگر، مردم وحیدیه به سبک زندگی محله‌گرا علاقه‌مند هستند.

تی‌هال معتقد است در برخی از فرهنگ‌ها همجواری بر پایه پایگاه و وضعیت اجتماعی طرح‌ریزی می‌شود، اما در بعضی از فرهنگ‌ها مانند کرانه‌های دریای مدیترانه با ترکیب پیچیده‌ای از فرهنگ‌ها، مردم همبستگی نزدیک‌تری با هم دارند و محیط خارج از خانه را جایی برای برقراری روابط اجتماعی می‌دانند. اهالی وحیدیه فضاهای عمومی و کوچه‌های محله خود را فضایی برای تعامل و برقراری رابطه اجتماعی می‌دانند؛ اما همانگونه که چپ‌من معتقد است، تغییر کارکرد خیابان‌ها که در گذشته مکانی برای دور هم جمع شدن بودند، به عامل تقسیم‌کننده جامعه تبدیل شده و اجتماع‌گرایی و تعاملات روابط همسایگی را در وحیدیه دچار اشکال نموده است.

همچنین در وحیدیه سیستم طراحی شهری شبکه‌ای متقاطع حاکم است که حال از آن به عنوان ویژگی اجتماع‌گریزی یاد می‌کند. در وحیدیه، غالب افراد در آپارتمان‌های زیر ۷۵ مترمربع زندگی می‌کنند. از این منظر طبقه فرو دست به شمار می‌آیند. به عقیده باومن طبقه فرودست جامعه بر خلاف امیال و آرزوهایشان، محکوم هستند محلی باقی بمانند. هاروی بر سلطه ماشین بر فضای کوچه و خیابان شهری تأکید کرده و به اعتقاد لوفور، فرهنگ ماشین و هجوم

گسترده آن، شهر را استثمار و زندگی روزمره را تسخیر نموده است. ازدحام وسیله نقلیه موتوری، به نوبه خود قادر است نقشی تعیین‌کننده در سبک زندگی محله‌گریزی اهالی وحیدیه داشته باشد. بی‌تردید اقتصاد سرمایه‌داری معاصر با مولفه‌هایی نظیر تخریب پیش‌رس ساختمان‌ها قبل از کهنگی، سوداگری در صنعت ساختمان‌سازی و ساختمان‌سازی به خاطر افزایش طبقه و تراکم ساختمانی، تعویض اتومبیل به خاطر هجمه اتومبیل‌های مدل جدید و کسب ارزش اضافی صاحبان کارخانجات اتومبیل‌سازی، نوسازی ساختمان‌ها تحت تأثیر بیشینه‌سازی سود و احساس فرهنگی تجدیدخواهی و علاقه به ساختمان‌های جدید در چارچوب نظریات هانری لوفور و دیوید هاروی عامل کاهنده هویت محله‌ای تحت تأثیر اقتصاد سرمایه‌داری معاصر هستند که به میزان ۰/۰۸۷ در سطح اطمینان ۹۵ درصد کاهش هویت محله‌ای در وحیدیه را تبیین می‌کند.

کیفیت فضای کالبدی نیز به میزان ۰/۰۶۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد در هویت محله‌ای وحیدیه تأثیر گذار بود که آن هم به واسطه سرمایه اجتماعی، تغییرات هویت محله‌ای را تبیین کرده است. اگرچه ۶۲/۵ درصد پاسخگویان در محله وحیدیه، میزان کیفیت فضای کالبدی را کم و خیلی کم ارزیابی کردند، اما تأثیر کل این متغیر، میزان ناچیزی از تبیین‌کنندگی تغییرات هویت محله‌ای را نشان می‌دهد. از طرفی، ۳۸/۸ درصد پاسخگویان میزان هویت محله‌ای را در طیف کم و خیلی کم و ۳۷/۶ درصد آن‌ها متوسط تشخیص داده‌اند، اما تحلیل رگرسیون چندمتغیره، میزان تاثیر کل کیفیت فضای کالبدی بر هویت محله‌ای را بسیار ناچیز تبیین نموده است.

ازدحام ساختمان‌های چهار تا پنج طبقه در محله وحیدیه که فرصت کنش‌های اجتماعی، خرید، پرسه‌زدن و صحبت کردن مردم را می‌زداید و نیز محلات جدا افتاده با خیابان‌های دراز، کمبود پارک و فضاهای عمومی، عدم انقطاع بصری، عدم قطع دید عمق قابل رویت، سیستم شبکه‌ای در طراحی شهری در چارچوب دستگاه نظری جیکوبز، هجوم گسترده فرهنگ ماشین بر خیابان‌های شهر و استثمار زندگی روزمره توسط آن در رویکرد نظری لوفور و شکل‌گیری بازارهای جدید و از بین رفتن شیرازه تاریخ و نوستالژی محلات در چارچوب نظریات ایمری و همکاران که به صورت خشونت‌آمیزی لبه خیابان‌های اصلی و جداکننده محله (خیابان شهید مدنی) را پوشانده، باعث شده است که کیفیت فضای کالبدی از منظر پاسخگویان بیشتر در طیف کم و خیلی کم تمرکز یابد. اما باهمه این اوصاف میزان هویت محله‌ای ۳۸/۸ درصد پاسخگویان در این محله در حد متوسطی ارزیابی شد. به عبارتی علی‌رغم همه کاستی‌های کالبدی که تنها یک پارک در محله وحیدیه وجود دارد و با ازدحام شدید مراجعه‌کنندگان بوته در ایام تعطیل مواجه است، پاسخ‌دهندگان تأثیر این کاستی‌ها را در پایین آمدن هویت محله‌ای کم ارزیابی کردند.

تعداد اتومبیل به میزان ۰/۰۳۳ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تبیین‌کننده هویت محله‌ای در وحیدیه است. غالب پاسخ‌دهندگان در وحیدیه، سرانه اتومبیل را یک دستگاه اعلام نموده‌اند. همانگونه که باندز مدعی است اتومبیل فرد را قادر می‌سازد تا فارغ از قدم زدن در فضای عمومی به فضای خصوصی برسد. پایین بودن سرانه اتومبیل و همچنین پایین بودن استفاده از اتومبیل در وحیدیه که میزان آن در طیف کم و خیلی کم برای استفاده در انجام امور داخل شهری ۵۹/۵ درصد بوده است، توانسته است ۰/۰۳۳ در تبیین تغییرات هویت محله‌ای وحیدیه سهم داشته باشد

در ولنجک متغیرهای مستقل تنها توانسته‌اند ۳۱ درصد هویت محله‌ای را تبیین نمایند. در این میان سرمایه اجتماعی ۰/۳۶۶، سبک زندگی به میزان ۰/۳۴۸، مدت سکونت به میزان ۰/۲۲۱، تحصیلات نیز به میزان ۰/۱۷۳، تعداد اتومبیل به میزان ۰/۲۲۸، امنیت اجتماعی به میزان ۰/۱۷۸ و ارتباطات از راه دور به میزان ۰/۰۶۱ در سطح اطمینان ۹۵ درصد در تبیین میزان تغییرات هویت محله‌ای تأثیر داشته‌اند. توضیح اینکه به استثنای چند مورد که شرح آن خواهد گذشت، همان قواعد نظری تحلیل که در محله حصارک و وحیدیه در تبیین تأثیر متغیرهای مستقل بر روی هویت محله‌ای حاکم بود در محله ولنجک نیز تغییرات را تبیین می‌نماید. به عبارتی چارچوب نظری متفکرانی چون ایمری و همکاران، جیکوبز و هال، میزان تأثیرپذیری هویت محله‌ای از سرمایه اجتماعی، سبک زندگی و دیگر متغیرهای مستقل را در ولنجک تبیین می‌نماید.

برخی متغیرهای مستقل که بر هویت محله‌ای ولنجک تأثیر دارند، خاص این محله هستند؛ برخلاف وحیدیه در ولنجک تأثیر متغیر گسترش ارتباطات از راه دور در تبیین هویت محله مستقیم و مثبت است. به عبارتی با افزایش استفاده از اینترنت و وسایل الکترونیکی هویت محله ولنجک نیز ارتقاء یافته است. این موضوع نظریه ولمن، هاس و همپتون را در ارتباط با تأثیرات دوپهلوی اینترنت ثابت می‌کند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که اینترنت برای جوامعی که روابط بادوامی دارند وسیله‌ای برای تعقیب روابط اجتماعی است و موردک معتقد است تلفن به حفظ روابط و پیوندهای دوستانه بدون توجه به فاصله کمک می‌کند. به نظر وی نمایش مراسم و شعائر تلویزیون از قبیل مسابقات ورزشی، از رخدادها و گردهم‌آیی اجتماعی پشتیبانی می‌کند. بنابراین تأثیرات مثبت متغیر گسترش وسایل ارتباط جمعی بر هویت محله‌ای ولنجک با توجه به نظریه‌های یاد شده قابل تبیین است. اهالی ولنجک تأثیرات بازی‌های کامپیوتری، اینترنت و نیز تلفن برای کاهش حضور در عرصه‌های عمومی محله و به دنبال آن کاهش هویت محله‌ای تأیید نکردند و نقش تلویزیون را نیز در کاهش هویت محله‌ای مؤثر ندانسته‌اند.

تحصیلات هم که در دو محله حصارک و وحیدیه هویت محله‌ای را تبیین نمی‌کرد، در این محله تأثیر کاهنده‌ای بر آن دارد. به عبارتی هر چه میزان تحصیلات در ولنجک افزایش می‌یابد، میزان هویت محله‌ای کاهش پیدا می‌کند. ایمری و همکاران بر این باورند مجردها و زوج‌های جوان و دارای شغل‌های تخصصی، علاقه زیادی به استفاده از تسهیلات رفاهی و فضاهای همگانی نداشته و تشویق به مشارکت محله‌ای نمی‌شوند. بنابراین با فرض اینکه میزان تحصیلات به کسب شغل تخصصی در خارج از محله زندگی افراد منجر شود، بنابراین تحصیلات بالای ولنجکی‌ها باعث تضعیف روحیه محله‌گرایی و هویت محله‌ای در این محله شده است.

تعداد اتومبیل نیز در محله ولنجک باعث کاهش هویت محله‌ای گردیده است، در مقابل حصارک که ۱۷/۶ درصد پاسخ‌دهندگان، خانواده خود را فاقد اتومبیل و ۵۰ درصد نیز سرانه اتومبیل در خانواده را صرفاً یک اتومبیل اعلام کرده‌اند، در محله ولنجک ۶۴ درصد پاسخ‌گویان تعداد اتومبیل در خانواده را دو دستگاه و بیشتر اظهار داشته‌اند. تی‌هال اتومبیل را باعث جدایی بشر از محیط پیرامون و محرومیت تماس با دیگران دانسته و گردهم جمع شدن مردم و شانس با هم آشنا شدن را مستلزم جستجوی بنیادی برای حل مسئله ماشین می‌داند. چپ‌من هم معتقد است، اتومبیل فرد را قادر می‌سازد تا فارغ از قدم زدن در فضای عمومی به فضای خصوصی برسد. در این زمینه گفتنی است، تمرکز سرانه اتومبیل در محله وحیدیه بر یک اتومبیل باعث ارتقاء هویت محله‌ای در این محله شده و

بالعکس افزایش سرانه اتومبیل در محله ولنجک باعث تقلیل هویت محله‌ای گردیده است. اتومبیل در محله ولنجک هم به واسطه سبک زندگی بر هویت محله‌ای اثر می‌گذارد و هم به واسطه سبک زندگی و سرمایه اجتماعی بر هویت محله‌ای تأثیر داشته است. این تغییرات با بنیان نظری تحقیق قابل تبیین است. امنیت اجتماعی نیز متغیری بود که از طریق سبک زندگی بر هویت محله‌ای ولنجک تأثیر گذاشته است.

نهایتاً اینکه مدل نظری تحقیق به لحاظ میزان برآزندگی در سه محله مورد مطالعه تهران، تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. به این معنی که مدل تحقیق در محله حصارک توانسته است ۵۳/۸ درصد تغییرات هویت محله‌ای توسط متغیرهای مستقل را تبیین نماید. این میزان در محله وحیدیه بالاترین برآزندگی را داشته و میزان آن ۶۲/۴ درصد بوده که حکایت از قدرت مدل در تبیین تغییرات هویت محله‌ای وحیدیه توسط متغیرهای مستقل تحقیق دارد. اما مدل تحلیل رگرسیونی در محله ولنجک تنها توانسته ۳۰/۹ درصد از تغییرات هویت محله‌ای را توسط متغیرهای مستقل تبیین کند و این یعنی اینکه مدل تحقیق به اندازه محله وحیدیه و حصارک برای ولنجک در تبیین هویت محله‌ای توفیق حاصل نکرده است. علی‌ایحال این پرسش کماکان به قوت خود باقی است که آیا دلیل این تفاوت معنادار در برآزندگی مدل رگرسیونی چند متغیره ناشی از بی‌تفاوتی ولنجکی‌ها نسبت به وضعیت محله است و تمرکز آن‌ها در پاسخ به پرسش‌ها بر طیف حد متوسط است؟ این فرضیه با نظریه باومن متضمن اینکه دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های طبقه فرادست نه در محلی که آنان ساکن هستند، بلکه در جای دیگری نهفته است و آن‌ها جز سودای به حال خود رها شدن و آزاد بودن برای سرگرمی و اطمینان از تأمین آسایش و راحتی روزانه، هیچ علاقه خاص دیگری به شهر محل سکونت خود ندارند، قابل تبیین می‌باشد.

منابع

- الیاس، نوربرت. (۱۳۸۵). تنهایی دم مرگ. (امید مهرگان و صالح نجفی: مترجمان). تهران: نشر گام نو
- ایمری، راب، لیز، لورتا و راکو، مایک. (۱۳۹۰). نوسازی شهر لندن؛ حکمرانی، پایداری و اجتماع محوری در یک شهر جهانی. (مجتبی رفیعیان: مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. (مریم وتر: مترجم). تهران: انتشارات کویر
- باندز، مایکل. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی شهر (شهر، خود و جامعه). (دکتر رحمت‌اله صدیق سروستانی: مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- باومن، زیگموند. (۱۳۸۴). عشق سیال درباب ناپایداری پیوندهای انسانی (عرفان ثابتی، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس
- بهرادفر، مصطفی (۱۳۹۰). هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران؛ تهران: موسسه نشر شهر
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنتهای مدنی. (محمدتقی دلفروز: مترجم). تهران: انتشارات جامعه شناسان
- پیران، پرویز (۱۳۸۴). هویت شهرها؛ غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده. تهران. مجله آبادی. شماره ۴۸. پاییز ۱۳۸۴. صص ۸-۹
- تنهایی، ح.ا. (۱۳۹۱). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ مدرنیته میانی. تهران: نشر علمی
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. (تورج یاراحمدی: مترجم). تهران: نشر پژوهش شیرازه
- جیکوبز، جین. (۱۳۹۲). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا. (دکتر حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی: مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- چپ‌من، دیوید. (۱۳۹۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت. (شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان: مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران

- ریتزر، جرج. (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (محسن ثلاثی: مترجم). تهران: نشر علمی
- زیمبل، گئورگ. (۱۳۸۵). کلانشهر و حیات ذهنی. (ناصرالدین غراب: مترجم). فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، ۵۹-۵۲
- شالین، کلود. (۱۳۷۲). دینامیک شهری یا پویایی شهرها. (اصغر نظریان: مترجم). تهران: انتشارات آستان قدس رضوی
- شکوئی، حسین. (۱۳۶۹). جغرافیای اجتماعی شهرها؛ اکولوژی اجتماعی شهر. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تهران
- شوالباخ، گریث. (۱۳۹۶). مفاهیم پایه در تحلیل شهری. (شادی عزیزی: مترجم). تهران: انتشارات فکر نو
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۳). پشت دریاها شهری است؛ فرایندها، روش‌ها و کاربردهای مردم‌نگاری شهری. تهران: انتشارات تیسرا
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۶). بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. (غلام‌عباس توسلی: مترجم). تهران: انتشارات حکایت قلم نوین
- فیلد، جان. (۱۳۹۲). سرمایه‌ی اجتماعی. (غلامرضا غفاری و حسین رضائی: مترجمان). تهران: انتشارات کویر
- گراهام، استیون و ماروین، سیمون. (۱۳۹۲). ارتباطات از راه دور؛ فضاها، الکترونیک و مکان‌های شهری. (محمود شورجه: مترجم). تهران: انتشارات مدیران امروز
- لوفور، هانری. (۱۳۹۱). تولید فضا. (دکتر محمود عبدالله زاده: مترجم). تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران
- هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر، (فرخ حسامیان و دیگران: مترجمان). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)
- هال، ادوارد. تی. (۱۳۹۳). بعد پنهان. (منوچهر طبیبیان: مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- Abell, J., (2010) "Logos, Ethos, Pathos, and Ecos: Neighborhood Housing Design Research and Development" Metropolitan Universities Journal, Ed., Roger Munger, (Indianapolis, Indiana University-Purdue University (IUPUI), Volume 21, Issue 2, 41-57
- Madanipour, Ali. (2001), 'How relevant is 'Planning by Neighbourhoods'', The Town Planning Review, Vol. 72, No. 2 (Apr., 2001), pp. 171-191
- Tajfel, Henri. (1978). Differentiation Between Social Group: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relation. Academic, London
- Talen, Emily and Julia Koschinsky. (2013). The Walkable Neighborhood: A Literature Review, International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning, International Journal of Sustainable Land Use and Urban Planning, Vol. 1 No. 1, pp. 42-63